

دکتر سیروس برادران شکوهی *

نشانه‌هایی از بیداری روستایی در آذربایجان در سال‌های نخستین نهضت مشروطیت

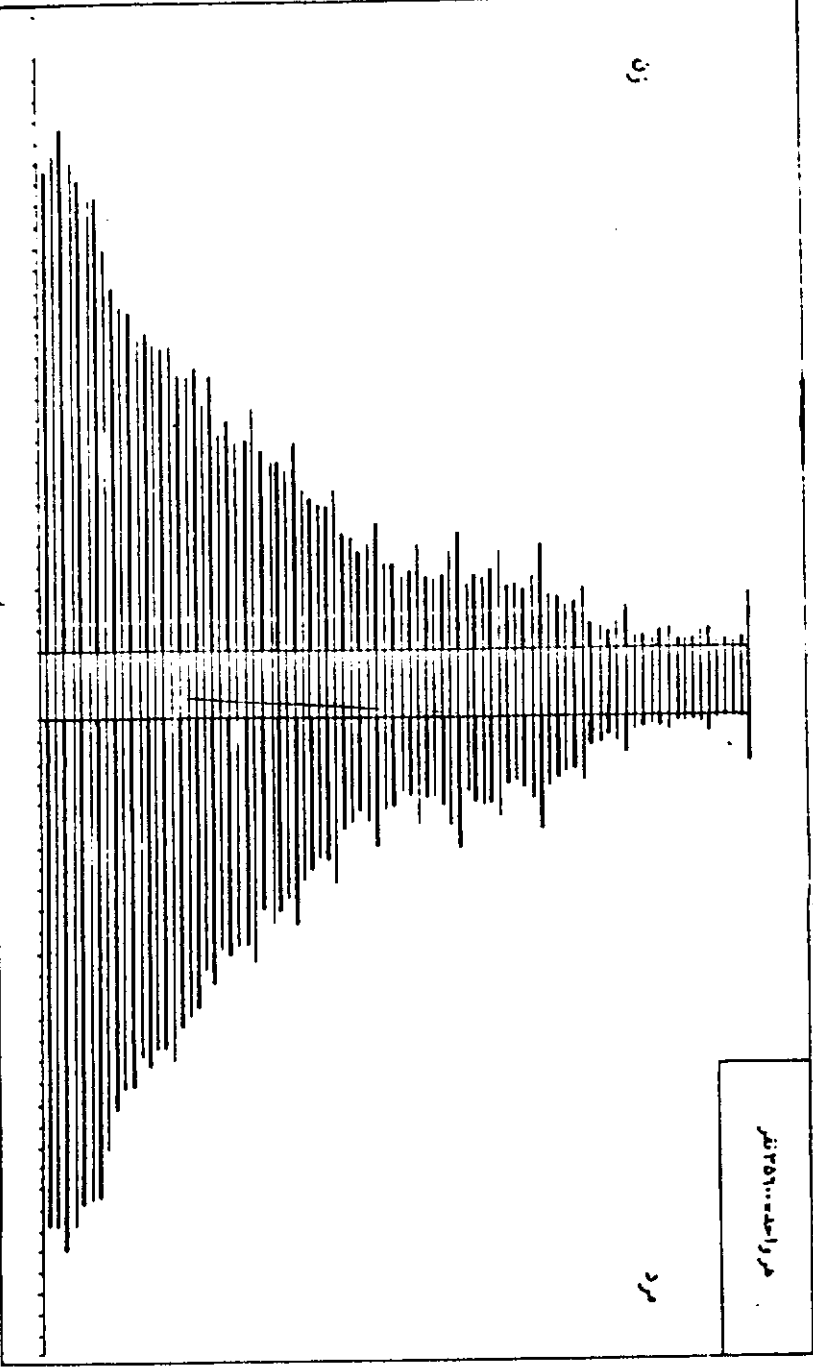
بیشتر زمین‌های ایران که یک کشور مستعد برای کشاورزی است و زمانی بیش از هشتاد درصد از کل جمعیت آن در روستاها و یابانه صورت ایلی و عشیرتی زندگی می‌کردند، در گذشته بد قدرت ملاکان و سران عشایر قرار داشت. زمین‌های مرغوب و حاصلخیز به زمین‌داران عمده و زمین‌های بی‌آب و لم یزرع به روستائیان تهی دست متعلق بود. ! عشایر نیز که به شیوه و سنت ایلی، چاره‌ای جز حرف شنوی از ایلخان‌ها و سران عشایر نداشتند به نحوی از انحاء مورد استثمار سرانشان بودند و درآمدناچیز آنان را که به زحمت تکافوی تغذیه‌شان را می‌کرد، سران ایل‌ها به بهانه‌های گوناگون از دست آنان خارج می‌کردند. دهقانان مثل سابق مجبور بودند زمین‌های صاحبان املاک را شخم بزنند و امور مربوط به کاشت و داشت و برداشت را انجام دهند، آن همه کوشش، به اقتضای اصول متداول زمان، که همان سنت و نظام ارباب و رعیتی و تقسیم فرآورده‌ها بر مبنای عوامل پنجگانه آب و گاو، کار و زمین و

* عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه تبریز

مردانه ۲۵۱۰۰ نفر

مرد

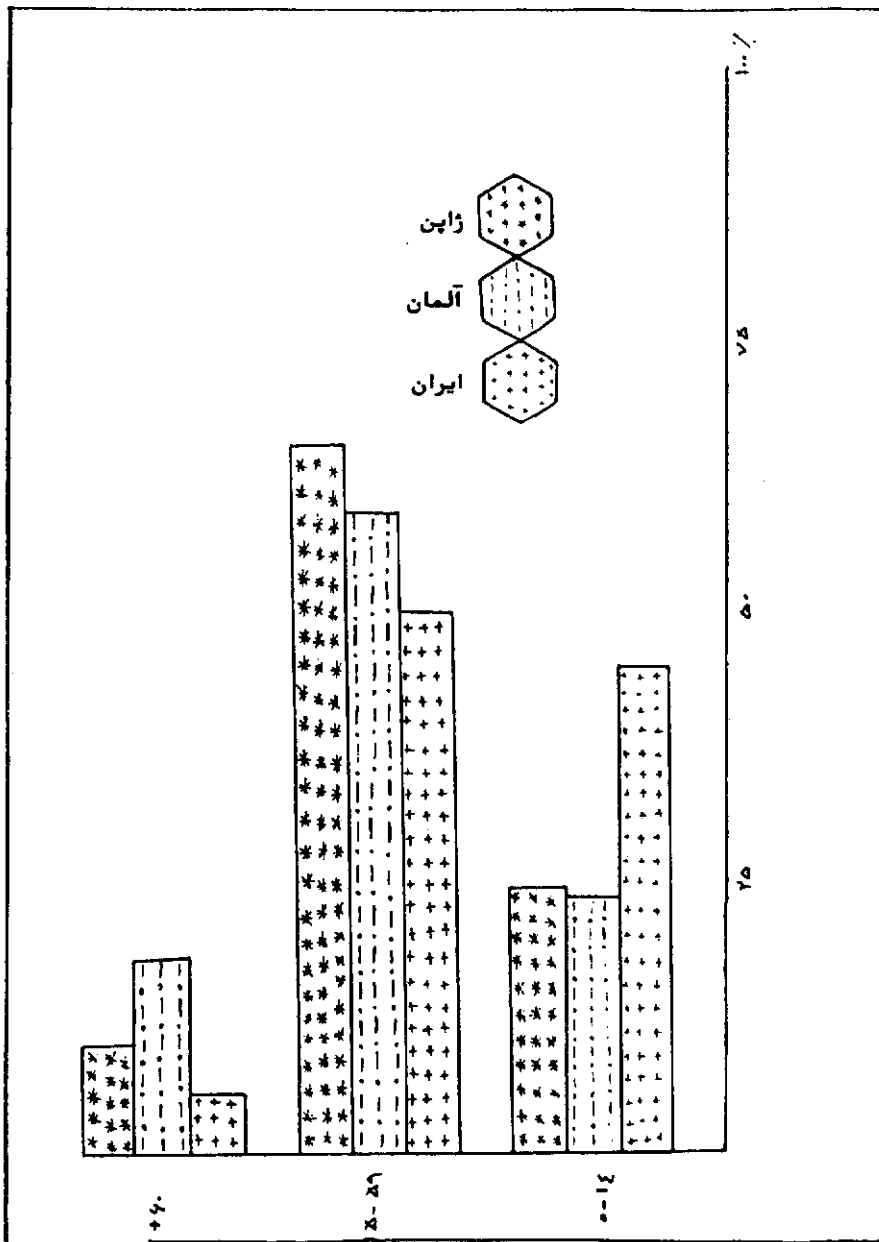
زن



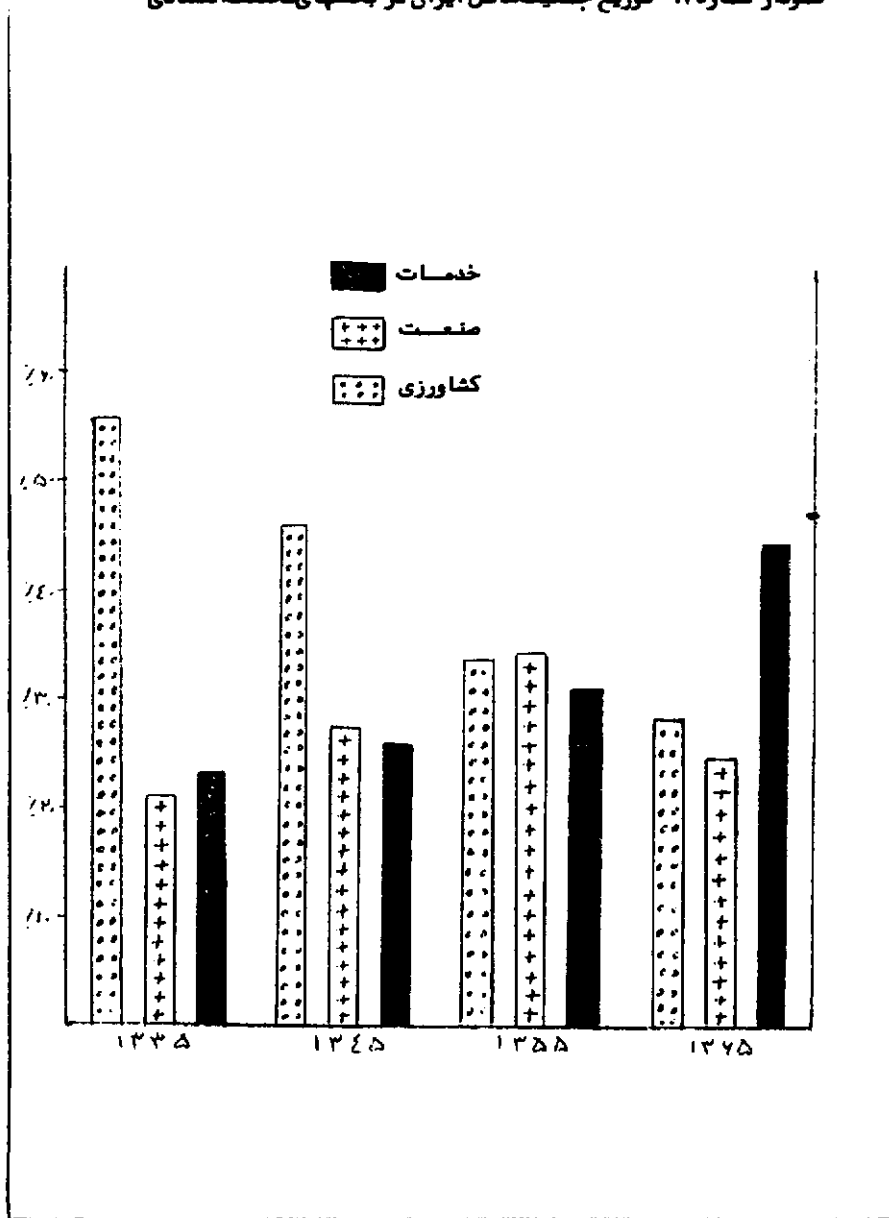
شماره ۱۳۱۵: جمعیت سال ۱۳۱۵ کشور.

ماخذ: حبیب‌الله ریخانی، جمعیت و توسعه

نمودار شماره ۲: مقایسه ترکیب جمعیت ایران با ترکیب جمعیت کشورهای آلمان و ژاپن



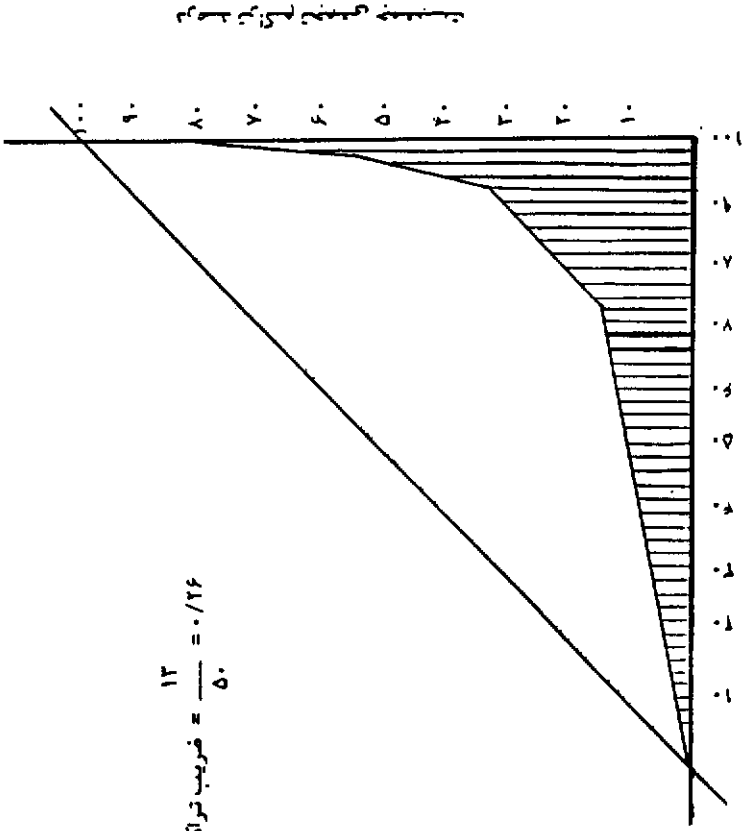
نمودار شماره ۲: توزیع جمعیت شاغل ایران در بخشهای مختلف اقتصادی



ماخذ: مرکز آمار ایران

مردار شماره ۱ : منحنی لورنس (توزیع جمعیت شهری ایران)

$$\frac{۱۳}{۵۰} = ۰/۲۶ = \text{ضریب تراکم}$$



درصد تراکم نسبی سکونتگاههای شهری

بذر بود ، جز تامین بخور و نمیر نتیجه‌ای برای آنان نداشت .
خانواده دهقان ایرانی ، با اینکه او با زمین زراعی خریسندو
فروش می شد ، از بام تا شام جان می کند و عرق می ریخت و زیر شدید -
ترین فشارها قرار داشت ، در حسرت یک وعده غذای سیر بود و ارباب و
دارو دسته ، حکومت مستبد او را می چاپیدند و به بیگاری می گرفتند .
عوارض شوم حاکمیت فتودالیسم ، یعنی بهره کشی ظالمانه از
رعیت بر دوش توده‌های دهقانی سنگینی می کرد ولی او حق کوچکترین
اعتراضی را نداشت . در نتیجه وضع مردم روز به روز آشفته‌تر و پریشان‌تر
می شد و گروه‌های عظیمی از روستائیان و مردم خرده پای شهرهای
مناطق مختلف ایران راهی ولایات خارجی می شدند و در آن سرزمین‌ها
در نهایت فقر و خفت روزگاری گذرانیدند ، در این مورد ، میرزای
کرمانی در جریان محاکمه خود گفته است : " ... قدری پایتان را از خاک
ایران بیرون بگذارید در عراق و بلاد قفقاز ... هزارهزار رعیت بیچاره
ایرانی را ببینید که از وطن عزیز خود از دست تعدی و ظلم فرار کرده ،
کثیف ترین کسب و شغل را از ناچاری پیش گرفته‌اند هر چه حمال و کناس
والاعی مزدور که در آن نقاط می بینید همه ایرانی هستند " ^۱ .
این مسافرت‌های اجباری و اضطراری خود سبب تجمع توده‌های
کثیری از کارگران و ارتباط دائمی آنان با یکدیگر ایجاد کانون‌های مترقی
می شد که به طرق مختلف با دسته‌های پیشرو داخلی و خارجی مربوط
می شدند . به نوشته‌ای : " با توجه به تکوین ساخت جدید اجتماعی
در این زمان ارتباطی که توسط توده‌های کثیر کارگران بین شهر و روستاها
برقرار می‌گردید اذهان اهالی این منطقه وسیع را تحت تاثیر غیر مستقیم
آنچه در اروپا می گذشت قرار می داد . اینان به شهرهای آذربایجان و
دهات قفقاز می رفتند و اندوخته فرهنگی جدید را با خود بدانجا
می بردند و در نتیجه مدارس در آن نواحی باز می شد و مردم بتدریج
آگاهی‌هایی از وضع محیط خود کسب می کردند . متعاقب آن ، فرهنگ و علم

گسترش می‌یافت و تکان‌های شدید بر پایه‌های نظام کهنه که طی قرون متمادی استحکام یافته بود وارد می‌ساخت و آنها را به لرزه می‌انداخت دیگر دنیای کهنه با تمام ظلم و استبداد و بی‌فرهنگی و جهالت بحکم ضرورت تاریخ محکوم به مرگ بود.^۲

در ایران، به ویژه در آذربایجان نیز به اقتضای زمان، روابط شهر و روستا و بخصوص آوازه نهضت آزادی خواهی و درخواست‌تأمین عدالت و رفع ظلم و جور و ... عواملی شدند تا روستائیان، کوشندگان راه آزادی را متوجه روابط غلط و استثمار حاکم بین خود و ارباب سازند. با این‌که هنوز خواسته‌هایشان ابتدایی و پیش‌پا افتاده بود ولی از پس قرن‌ها زور و ستم، خود نوعی سرآغاز شد.

بعضی‌ها قطع دریافت حق العبور از یگانه پل محل را دارند که ... از رعایای قریه الوار^۳ ... در پل آجی^۴ گماشتگان راه شوسه ... بسه دهاتی‌ها مزاحمت نکرده حق العبور مطالبه نمایند. رعایای قریه صوفیان^۵ از حرکات خلاف قانون و اخاذی و درخواست تعارف و جریمه که از قدیم ایام ممر در آمد مباشرین و وابستگان ارباب شده است زیاد شکایت دارند. " ... گماشتگان افخم الملک،^۶ رعیت صوفیانی را گرفته بعد از تنبیه و حبس و باز تقریباً پنجاه تومان به عنوان جریمه و تعارف گرفته مرخص کردند...^۷"

رعایای ماکو تظلم از خوانین ماکو دارند و طی لایحه‌ای ظلم رفته بر خویشان را به انجمن ایالتی تبریز^۸ داده ملتسانه تقاضای رسیدگی می‌کنند. اقدام انجمن ایالتی حاکی از عدم آگاهی نمایندگان در اختلافات فیما بین است و چون گذشته این رسیدگی را به خان خانان اقبال السلطنه ماکوئی واگذار می‌نمایند منتهی با بعضی حرف‌ها و ژست‌های فورمالینه ... " اقبال السلطنه سردار، اهالی ماکو عرضحال متظلمانه بسه انجمن ملی نوشته از تعدیات خوانین ماکو شکایت کرده‌اند... شما باید در رفع کلیه بی‌اعتدالی‌ها اقدامات مجدانه به عمل آورده و ریشه،

ظلم را قطع نمائید... " ۱۰

"داستان قره چمن" ۱۱ و رفتاری که حاکم وقت به دستور حاج میرزا حسن آقا ۱۲ انجام میدهد بازتاب گسترده‌تری پیدا می‌کند و مساله از محدوده دهکده فراتر رفته سبب بگو مگو در شهر و مطبوعات می‌گردد و مردم تبریز نمی‌توانند از این واقعه سرسری رد شوند موضوع را تعقیب کرده مسببین اصلی واقعه را شناسایی می‌کنند و به استناد حکومت قانون و برچیده شدن بساط استبدادی و مراکز متعدد قدرت در انجمن ایالتی تجمع کرده حاکم را احضار می‌کنند و صحنه را به قدری بر او تنگ می‌گیرند که سرانجام ایالت مجبور به افشای حقیقت می‌شود که: " ... حاجی میرزا حسن آقا که نافذ الحکم است حکم فرموده و من هم مامور فرستاده‌ام " ۱۳!

هنوز پرده‌ها کاملاً کنار نرفته‌است و پشت پرده دست‌هایی مشغول بند و بست است. نمایندگان انجمن که اغلبشان بورژوا - ملاک و اعیان و فئودال، هستند، منتظر چنین صحنه‌هایی از انقلا ب نیستند به زعم ایشان درخواست عدالت‌خانه و حداکثر انتقال قدرت از حاکم مستبد به انجمن ایالتی ربطی به روابط ارباب و رعیتی ندارد و تظلم علیه ارباب و عنوان کردن بعضی مطالب و مراجعه رعیت به برخی از مراکز دیوانی او را پررو و گستاخ خواهد کرد! و اگر این وضع ادامه یابد و به دهات دور و نزدیک سرایت کند، کنترل اوضاع مشکل و چه بسا غیرممکن خواهد شد. این بود که عکس‌العمل و اعتراض ملاکان و اربابان کم‌کم ظاهر می‌شد، حتی آنان نیز که فارغ از اندیشه‌های اختلاف مالی، آزادیخواه و دموکرات بودند و دم از حقوق رنجبر و زحمتکش می‌زدند، سر فرصت منافع و موضع خود را آشکار می‌کردند. مذاکرات جلسه‌ای از انجمن ایالتی و ولایتی که: "عیون رجال شهر و معاریف از حضرات علما و اعضای فحام انجمن مقدس" به منظور مذاکره و شور در تهیه غله تشکیل شده بود روشنگر خیلی‌مسایل تواند بود.

" جناب آقامیرزا عبدالرحیم^{۱۴} فرمود: "... رعایا خودشان محصول را حیف و میل و تلف می‌کنند سهل است از حشم و اغنام یکدیگر برای چراندن دعوت می‌کنند که بمالک چیزی نماند".^{۱۵}

" دیگری که خود از سردمداران و آگاه‌ترین آزادیخواهان بود: "... قدری تند کرده فرمودند اگر مراهم داخل ملاک می‌گوئید من علاقیات خود را بشما واگذار می‌کنم آذوقه خانه مرا بدهید بقیه را خودتانید... رعیت آنطور جری نشد که ارباب بتواند حقوق خود را مالک شود... اینطور که گرفته‌است غله در خرمن تمام خواهد شد بهیچ چیز خود صاحب نیست حقوق مردم در معرض تلف آمده‌است"^{۱۶} این چنین:

" نمایندگان انجمن به مجتهد هواداری نمودند و چنین خواستند که پیش آمد را در خود - قره چمن - باز جویند پرده بر روی واقعیه می‌کشیدند و میرزا علی اکبرخان^{۱۷} مدیر روزنامه را نیز دستور دادند که به پرده کشی کوشد..."^{۱۸}

ولی واقعه نه چنان بود که با این اقدامات بتوان بر روی آن پرده کشید و غایله را در خود - قره چمن - باز جست. موضوع در تمام دهات و مابین روشنفکران شهری دهن به دهن می‌گشت که: " ایالت نصرالسلطان حاکم میانج^{۱۹} را با صد سوار و صد پیاده بر سرقره چمن فرستاده و اینان دیه را چاپیده و در ستمگری اندازه نمی‌شناسند چنین گفته می‌شد که سه تن بچه از ترس مرده‌اند و چند زن در حال مسردن می‌باشند. سپس به برخی خانه‌ها آتش زده و چون گروهی از قراچمنیان به دیه (ازوم دل) گریخته بودند از دنبال آنان رفته و کسانی راهم در آنجا می‌کشند".^{۲۰}

این آگهی‌ها در تبریز مایه آزرده‌گی همه گردید و شهر یکباره بهم خورد چه زحمت کشان و کارگران شهری این ظلم رفته برده‌اتیان را ظلمی بر خود می‌یافتند: اگر در روستاها ارباب و دارودسته‌ها چنین می‌کنند در شهر نیز - کارخانه داران و سرمایه داران و دارو دسته آنان - نظایر

این بلایا را بر سر زحمتکشان می آورند ، درست است که هنوز نهضت روزهای اولیّه، خود را طی می کند و راه دراز آزادی ، قدم به قدم طی می کند و راه دراز آزادی ، قدم به قدم طی می شود اما از همان ابتدا باید قدم ها را محکم و استوار برداشت و مردم را از دو دلی و ترس و لرز رها کنید. این بود که روزنامه " انجمن " با وجود توصیه هایی که در جهت مکتوم ماندن موضوع می شد ، با الهام از قدرت لایزال مردم : " از طرف مجاهدین و ملت تهدید و قدغن سخت شد که من بعد تمام وقایع انجمن و اتفاقات شهری و رفتار متنفذین بازاری بی پیسره درج شود " .^{۲۱}

" انجمن " با استقبال از پشتیبانی " آزادیخواهان " و مردم ، مقصود خود را که همانا خواسته های زحمتکشان بود آویزه گوش کرده می نویسد: " بشارت خاصان قلم را که از همت مردان غیور و تهدیدساز مجاهدین وطن پرست حقیقی سلاسل و اغلال از گردن قلم بیچاره برداشته شده و زبانش از قید اسارت خلاص شد و من بعد در میدان آزادی مشروع جولان نموده حق گویی را شعار و پرده پوشی را ترک خواهد نمود " .^{۲۲}

میرزا علی اکبرخان مدیر روزنامه که خود مترصد چنین فرصتی بود در یکی از شماره های روزنامه موضوع قره چمن را عنوان کرده و سانسور و تهدیدی را که بر صاحبان قلم اعمال می شد بی پروا افشا کرد و تحت عنوان : " ای قلم تا کی در قید سلاسل و اغلال مقید و تاکی زبان مبارکت با مهر ستمکاری مختوم خواهد بود " نظر خود را که نشانگر وضع و حال " خاصان قلم " و " مطبوعات " بود بیان نمود. قلم را مخاطب قرار داد و به استناد گفته های " ائمه اطهار " ، " حضرت ولی مطلق " ، " کلام مجید " ، " خداوند تعالی " و ... آزادی قلم را طلب کرد.

مدیر روزنامه " انجمن " انعکاس خواسته های روستائیان را جز در پرتو آزادی قلم نمی دید و آزادی قلم نیز جز با پشتیبانی و طرفداری

مردم و بازوی رزمنده، انقلاب یعنی مبارزین ممکن نمی شد. این بود که با درج نامه، مجاهدی تحت عنوان: "نامه مجاهد فی سبیل الله" به مخالفین و معاندین آزادی، خط و نشان می کشد و می نویسد:

"آن سبب شکست و آن پیمان ریخت. اجرای قوانین مساوات، تشکیل مشورت خانه ملی، خشکاندن ریشه، استبداد را طلبکاریم... مختصر آن است که مشتبه شده از حد خودتان تجاوز ننمائید و حکمی خارج از وظیفه ننمائید و الا..."^{۲۳}

در تمام شماره های جراید روز شاهد ستونی ویژه جهت اعلام و افشای گرفتاری ها و دادخواست های کشاورزان هستیم و ایس جراید در احقاق حق روستائیان کوشا و در افشای ظلم و زور درباریان بی پروا بودند، هرچند که با کار شکنی و بندوبست مخالفین مواجه شدند.

"انجمن" در یکی از شماره های سال اول خود شکایت رعایای قریه ایلخچی^{۲۴} و "اسباب خسارت و زحمت رعایا" را آورده است. آنگاه مذاکرات مجلس استنطاق را می نویسد و نشان می دهد که در دادگاه "اعیان و اشراف" ولو در حضور مستنطق انجمن ایالتی، محلی برای رسیدگی به تظلمات ضعیف رعایا نیست. معهذاً به نهادهای حاصل از انقلاب معتقد است، هر چند ملاکان آن را باور ندارند چنانکه دیگرگونی روابط خود و رعیت را نیز قبول ندارند. مورد زیر به عنوان شاهد نقل می شود:

"آقا میر تقی حریری^{۲۵} ارباب قریه، ایلخچی در انجمن ایالتی و با حضور نمایندگان، مقابله با دهاتیان را کسر شان می داند! وقتی ریش سفیدان رعایای قریه، ایلخچی را در جلو در نشانند که با آقامیرتقی "ارباب" گفتگوی خود را تمام نمایند میرتقی به ریش سفیدان قریه گفت: "آهسته تکلم نمائید و فضولی نکنید!"^{۲۶}

از کشاکش های ارباب و رعیتی که در شماره های سال اول و دوم -

روزنامه منعکس است ، کشمکش رعایای قریه زنوز^{۲۷} با اربابشان را می توان نام برد. شماره های ۷۷ ، ۷۸ ، ۱۳۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۶ و ... گویای چگونگی این کشمکش هاست . در شماره ، ۷۷ و ۷۸ ، ضمن اشاره به این موضوع می نویسد : " ... سادات و اهالی زنوز باجماع در تالار و صحن انجمن جمع شده فهرست شکایت و تظلمات خود را ارائه نمودند پس از مذاکرات زیاد قرار شده که ده نفر از سادات و علمای زنوز را وکیل کرده سایرین برونند در کمیونی که تشکیل خواهد شد رسیدگی شود. ولی اهالی زنوز رضا نداده گفتند ما را ! سگان رفتن نیست هر روز تخفیف و تهدید است که به ما می رسد قرار گذارید چند روزی مدعی ما را هم حاضر نموده رسیدگی کرده احقاق نمایند." ^{۲۸}

" اعضای انجمن ایالتی گرفتارمذاکرات ، مکاتبات و تلگرافات است و ^{۱۹}ی وامانده و سردرگم ... دعاوی کهنه و مظالم چندین ساله را عنوان نموده مجلس را از کارآواره نصف بیشتر وقت گران بهمای امنای ملت را ضایع و تلف می نمایند . خرابی های چندین ساله را یک تعمیر آبی الحصول متوقع اند که خارج از حوزه تصور و تعقل است ... خاصه این اختلافی که از موقوفی عوارض دهات در میان ارباب و رعایا واقع شده است که هر روز و هر ساعت به عنوانی با رقع و پیغام و تشکی ارباب از رعیت یا بعکس شکایت رعایا از ارباب می رسد و موجب سگته کار ها و عدم پیشرفت واجبات و اصول امورات است ."^{۲۹}

انجمن قادر به اتخاذ موضع قاطعی در اختلافات موجود بین ارباب و رعیت نیست . در یک نظام فئودالی این توقع بی جایی است . باید کم کم نهاتی را به حقوق خود آشنا ساخت . نه تنها انجمن ایالتی ، حتی نمایندگان مجلس شورای ملی نیز که عمدتا از مالکان و بورژواهای بزرگ بودند ، با عمده ترین مساله روز که همانا مساله ارضی و شکایات دهقانی بود بی اعتنا و حتی با آن مخالف بودند ، به همین سبب در اختلافات ، اغلب جانب ارباب را رعایت می کردند .

مالک قریه، زنوز بی کار نمی نشیند. با ایادی و دارو دسته‌ای که در تهران و بین نمایندگان مجلس داشت انجمن ایالتی و حکومت تبریز را در تنگنا قرار می دهد و به استناد تلگراف و دستورات مجلس درخواست استرداد بهره مالکانه می کند: "توسط... انجمن ملی تبریز چندی قبل در استرداد حقوق پارسال و امسال جناب آقای حاجی سید مرتضی^{۳۰} از املاک خودش موافق سنوات قبل تلگرافی از مجلس شورا صادر شده بود اکنون بموجب تصدیقی که انجمن مقدس داده انسد واضح می نماید که رعایای املاک مرند جناب مشارالیه بی اعتدالی می نمایند لهذا باید انجمن مقدس جدا و موکدا استرداد حقوق و تنبیه متمریدین املاک مرند جناب مرتضوی را از ایالت جلیله بخواهند."^{۳۱}

برخورد اعضای انجمن با مساله بهتر از برخورد نمایندگان مجلس شورای ملی نبود زیرا هرگز دیده نشد که موضع قاطعی در قبال اعتراضات و تظلمات دهقانان نسبت به اربابان اتخاذکنند... "آخر الامر در کلیه قرار گذاشته شده که فعلا حکومت محلیه حقوقات مالکانه، سده ماضیه و هذه السنه... را بحیطه وصول رسانیده و به مباشرین بپردازند..."^{۳۲}

از آن طرف رعایای قریه، زنوز مشروحه، مفصلی مبنی بر تظلم و دعاوی خودشان از شخص مالک نوشته... از اجرای دستور و تلگراف صمداره خودداری کردند.

این تنها رعایای زنوز نبودند که در لفافه تظلم، دعاوی، تعدیات و تنخواه... از پرداخت بهره مالکانه خودداری می کردند و خود را آماده "تنبیه گماشتگان حاکم" و "حکومت محلیه" می ساختند، رعایای قراء دور و نزدیک نیز "تظلمات" مشابهی را پشت سرهم عنوان کرده بسا ریش سفیدان خود روانه انجمن می شدند. کشاورزان اگرچه از روش کلاسیک مبارزه و قانونمندی روابط ارباب و رعیتی آگاهی نداشتند، ولی بطور خودجوشی به پا خاسته بودند و با اینکه در تجزیه و تحلیل تاریخ انقلاب نقش کشاورزان در جنبش، چون اصناف و پیشه‌وران شهری نبود، مع‌هذا

بیداری و مقابله آنان با مالکان، که نمی خواستند حتی همراه رعیت در انجمن بازپرسی شوند تا چه رسد به حل مسأله به نفع روستائیان، کمتر از اصناف نبود.

"انجمن" در جایی به تظلم دهاتیان "دورسون خواجه‌لو، تکلو" به معتمدی عبدالله، نجف، محمد قلی و داداش، اشاره کرده می‌نویسد: "دهاتیان دورسون خواجه‌لو و تکلو، دو طایفه و چهل پارچه دهات است. بیست سال است که حاج نظام العلما^{۳۳} قبول نموده سالی ده هزار تومان علاوه بر مالیات دیوانی داد و ستدمی نمایند در هر شش ماهی یک مباشر تجدید و هر دفعه دو هزار تومان از مباشرت پیشکش می‌گیرند و آن مباشر هم سوی مالیات و غله و تفاوت عمل لا- محاله پنجهزار تومان به عنوان جریمه دریافت می‌کند طوایف و دهات را بالمره از پا انداخته محتاج یک قرص نان نموده‌اند... با خانواده دهاتی مثل زر خرید هر قسم تصرفات می‌نمایند... از مال و جان تعدی و تجاوز به عرض و ناموس مردم می‌نمایند"^{۳۴}.

انجمن ایالتی تبریز تحت فشار رعایا و بعضی از آزادیخواهان و جناح‌های مترقی و روشنفکر نهضت، مساعدت‌های لازم را حتی الامکان دریغ نمی‌کرد وقتی که "تظلم" دهاتیان "دورسون خواجه‌لو، تکلو" را ملاحظه کرد، در پاسخ نوشت: "مالیات خودتان راه‌دهه السنه با حکومت برداخت نموده و به صاحبان تبول خود را مظلوم ننمائید"^{۳۵}. اما این نوشته‌ها جز رویه‌کاری و هم‌سویی اجباری و گذرا باخواست مردم به پا خواسته نبود و نمایندگان با آن موضع خاص خود بالطبع مایل به دفاع از منافع رنجبران و روستائیان و زحمتکشان شهری نبودند. چنانکه وقتی ارباب قراء مرند از جمله ارباب زنوز در استرداد بهره مالکانه خود پافشاری کرده و دستورات و تلگرافهای اکید مجلس شورای ملی را مبنی بر استرداد بهره مالکانه دریافت داشت، مذاکرات انجمن ایالتی قابل توجه است و نیز تلگراف‌های خود مجلس شورا، می‌دانیم که در این

زمان مجلس به چه مشکلات سیاسی حادی گرفتار بود : اتمام وبه‌امضاء رساندن متمم قانون اساسی از جمله کشاکش‌ها و گرفتاری‌های عمده‌ای بود که مجلس با دربار سلطنتی و دارو دسته، آن داشت . با وجود این، مجلسیان بی‌هیچ شک و تاملی دست به‌کار می‌شوند " ... به موجب تلگراف فرمانفرما،^{۳۶} زنوزی‌ها به مامور جواب کرده و از ادای حقوق معزی‌الیه استنکاف نموده‌اند هیچگونه اعتذار و تمرد با وجود تصدیق مصادر ... با هیچ قاعده و قانون پذیرفته نیست حقوق مشروحه، اوضاع شود وظیفه انجمن محترم ملی است ... استیفای حقوق معزی‌الیه را را بخواهند " .^{۳۷}

بعد از دریافت این تلگراف اعضای انجمن مقدس روز سه شنبه ۲۲ شهر شعبان ۱۳۲۵ ه. ق . تشکیل جلسه داده و در این مورد مذاکراتی به عمل آوردند چون این مذاکرات و نتیجه آنها روشن شدن مسیر فکری شرکت کنندگان در آن جلسه که در تاریخ تظاهرات روستایی این کشور ثبت شده است شایان توجه می‌باشد، عین آنها را نقل می‌کنم .

" آقا میرهاشم آقا^{۳۸} - امروز هیچ کس راه عرض و داد خواهی را نگرفته و راضی به ترضیح حقوق حقه کسی نمی‌شود . حاج علی آقا - قراجه داغی^{۳۹} - حقوقات پارسال که مانده ، محصول امسال هم که قریب به اتمام است پس چه باید کرد و تکلیف چیست .

حاج میرمحمد علی آقا^{۴۰} - با ایالت که مکرر مذاکره این مساله را کرده‌ایم بالاخره امروز شرحی نوشته‌اند که عقیده من این است یک نفر از اجزاء مسلم را انجمن معین کند با چند نفر از مجاهدین برون‌دبه‌قریه زنوز و هرزند ، من هم یک نفر صاحب منصب با بیست نفر سواره روانه می‌کنم که به اتفاق آنها بهره، املاک را بی زحمت از رعایا بگیرند بعد از آن رعایا هم اگر حرفی و ادعایی دارند بیایند و بگویند .

آقا میرهاشم آقا - آدم فرستادن از طرف انجمن مفتضی نیست انجمن همین قدر تصدیق داده و حالا وصول حقوقات و اجراء آن تکلیف

حکومت است بهر وسیله که صلاح بدانند.

سیف السادات - مدتی است که این فرمایش را می فرمائید و بجایی نرسیده است آخر چقدر باید حقوق ... پامال بشود و تاکی در حالت معطله بماند.

حاجی میرمحمدعلی آقا - از طرف انجمن تا بحال قصوری نشده است حتی الامکان باید کار را بدون صدمه و خسارت طرفین صورت انجام داد.

آقامیرهاشم آقا - اول کار ، آقامیرجلیل^{۴۱} و آقا میرزا حسین^{۴۲} را که هر دو شخص مصلح و عاقل هستند از انجمن فرستاده بدانچه نصیحت و موعظه بود به رعایا کردند فایده نبخشید ناچار دنباله آن منوط به قوه جبریه است که باید از طرف حکومت به عمل بیاید.

حاجی میرمحمدعلی آقا - دو سه نفر سید زنوزی هستند که یکدسته اسناد و کاغذ بدست گرفته بهر جامیرسند می گویند که ما مظلوم هستیم بعراض ما نمی رسند تکلیف چه چیز است .

حاجی علی آقا - آنها چه سندی در مقابل ملک متصرفی پنجگاه ساله دارند که مرافعه بکنند.

آقا میرمحمدعلی صراف - زنوزی ها امسال ادعای مالکیت می کنند یا از قدیم است .

آقا میرزا حسین - بیست و پنج سال است که ... متصرف است .

آقا میرمحمدعلی آقا - بسیار خوب زنوزی ها مالکیت خودشان را شرعا ثابت بکنند انتزاع ملک از ارباب به عهده ما ."

آخر الامر بعد از گفتگوی زیاد آراء اهل مجلس بر این قرار گرفت که دو نفر شخص موثق مجدداً از طرف انجمن مقدس فرستاده شوند و از طرف ایالت جلیله به شجاع نظام^{۴۳} حاکم مرند امر بشود که به اتفاق فرستاده انجمن ایالتی بهره املاک را از رعایا وصول کند.^{۴۴}

همه شماره های " انجمن " نشانگر نامه ها و تظلمات رعایا

است. کسانی که در تحلیل رویدادهای نهضت مشروطه قیام را تنها محدود به شهرها کرده و از شرکت روستائیان در جنبش عدالت خواهی علیه ستمگران و زورگویان بیادی درخور نکرده‌اند و دهقانان را کلا فاقد آگاهی سیاسی و اجتماعی قلمداد نموده و اظهار کرده‌اند که در مشروطه شاهد تظلمات کشاورزان نیستیم، از مندرجات مطبوعات آن سال‌ها بی‌خبر هستند^{۴۵} "انجمن" در یکی از شماره‌های سال دوم انتشار خود "تظلم" رعایای قریه، "سورا" را منتشر ساخته و پورده از روی تعدیات حاجی محمد تقی تبریزی برداشته است: "حاجی عسلاوه از مالیات معمولی، مبلغی اضافه بر معمول از ما می‌گیرند در زمان حکومت نظام السلطنه^{۴۶} ما را در زندان دولتی نگاهداشته با شکنجه از ما، تنخواه فوق العاده گرفتند حالا هم چند روز است که ما را محبوس کرده، ما را کتک زده و بدون گناه و تقصیر حبس و زنجیر کرده است.^{۴۷}"

روزنامه دامنه سخن را از تبریز و آذربایجان فراتر می‌برد و گاهی از ظلم و ستم اربابان در ورامین و همدردی روستائیان دوروزدیک با دهاتیان ورامین و از عدم تبعیت و اطاعت دهاتیان عشق آبادخراسان و (زنوز آذربایجان) از دستورات و احکام عمال دولتی و... هسوا داری می‌کرد و از پشتیبانی رعایا باز نمی‌ایستاد. مثلا در مقابل خواست رعایای قریه، "سورا"، که شرح آن را نوشتیم، ضمن لایحه، رسمی به حضرت حکمران نوشت که به "کدام قانون و به حکم کی حبس کرده‌اند... در دیوانخانه عدلیه رسیدگی و احقاق حق نمایند."^{۴۸}

دهقانان، انجمن‌ها، سازمان‌های مبارز و مترقی، تحقق آمال طبقه محروم کشاورز را در گرو استقرار حکومت مشروطه و انحلال حکومت فئودالی و استبدادی اعیان و اشراف و مالکین بزرگ می‌دانستند و برای این منظور از هر نوع آمادگی کوتاهی نداشتند: "... اهالی دهات نیز اسلحه برداشته‌اند و در طلب مشروطه باحریت پروران عشق آباد همراهی و اقدامات فداکارانه می‌نمایند. دهاتی‌ها بهیجان آمده و به

مقام حکومت اظهار داشته‌اند که ماهمگی از جان و دل تا نفس واپسین با تمام قوای خویش در اجرای مشروطیت و نابودی استبداد خواهیم کوشید".^{۴۹}

هنوز زود بود که کشاورز ایرانی با آگاهی و انقلاب، در صدد برچیدن ریشه نظام اربابی برآید ولی گام‌های اولیه آگاهی و اعتراض از همین سالها و با این خواستها و حرکات برداشته می‌شد و از همین قدم‌های اولیه نطفه‌های بالنده و حرکات سازنده در جهت رهایی کشاورز ایرانی از "سلاسل اغلال ظلام" نظام گذشته تکوین می‌یافت.

یادداشت‌ها

- ۱ - ناظم الاسلام ، مقدمه ، ۱۰۶ .
- ۲ - پیفون ، ۲۰ .
- ۳ - دهی در ۱۵ کیلومتری شمالی غربی تبریز .
- ۴ - تلخ رود ، از سمت جنوب غربی کوه سولان (سبلان) سرچشمه می‌گیرد ، پس از عبور از محاذات قراجه داغ یعنی حد شمالی تبریز وارد جلگه شده از شمال غربی شهر تبریز می‌گذرد و بعد از طی مسافت زیسباد و آبیاری باغات و مزارع محلات غربی شهر سرانجام به دریاچه ارومیه می‌ریزد . آب آن کمی شور است . نک تاریخ تبریز ، ص ۲ .
- ۵ - مرکز بخش صوفیان از شهرستان شبستر ، ۳۵ کیلومتری شمال غربی تبریز ، در مسیر راه شوسه تبریز به شمال آذربایجان و خط آهن جلغا - تبریز و تبریز و شرفخانه و مرز - داری - ترکیه واقع است . سرتاسر شمال صوفیان را کوههای مورو داغ و غرب آن را کوهستان میشو داغ پوشانیده و شیب زمین در بخش جنوبی آن به طرف دریاچه ارومیه است . نک خاماچی ، ۳۹۰ .
- ۶ - از مالکین عمده و از درباریان عهد مظفری و محمدعلی شاه در تبریز .
- ۷ - انجمن ، س ۱ ، ش ۴۲ ، ۲۷ ذی الحجه الحرام ۱۳۲۴ ، ص ۲ .
- ۸ - بعد از صدور فرمان مشروطیت در چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۲۴ هـ.ق . و امضای نظامنامه انتخابات قانون تشکیل انجمن ها از نخستین لوایحی بود که مجلس آن را تصویب کرد . این انجمن ها برای نظارت بر صحت انتخابات نمایندگان مجلس اول به وجود آمدند . انجمن های ایالتی و ولایتی در واقع به عنوان نماینده دولت مرکزی فعالیت می کردند و وظایفی چون نظارت بر انتخابات ، رسیدگی به شکایات و جمع آوری مالیات بر عهده آنان بود . انجمن های ایالات ۱۲ نفر و ولایات ۶ نفر عضو داشتند که در ماده ۴ قانون انجمن های ایالتی

- و ولایتی تصریح شده بود . نک رفیعی ، ۲۷ .
- ۹ - مرتضی قلیخان اقبال السلطنه ماکویی فرزند تیمورخان اقبال السلطنه حکمران ماکو و سرحد دار ایران رئیس ایل بیات ماکو بود . پس از اعلان مشروطیت به دلایل امنیت مرزی و سیاسی از افتتاح انجمن ماکو جلوگیری کرد و بعد از فراز و نشیب هایی سرانجام در دوره پهلوی توسط امیر لشکر عبدالله خان طهماسبی توقیف و در زندان تبریز مقتول گردید . نک مهدی مجتهدی ، ۲۵ .
- ۱۰ - انجمن ، س ۱ ، ش ۴۳ ، ۲۹ ذی الحجه الحرام ۱۳۲۴ ق ، ص ۴ .
- ۱۱ - قره چمن که سابقا یکی از روستاهای آباد و پرجمعیت بخشش بستان آباد بود و در حال حاضر از نظر مسایل جغرافیایی در حال گسترش و توسعه است و به یکی از شهرکهای آباد و زیبای منطقه تبدیل شده است . قره چمن در کنار جاده ترانزیتی تبریز - تهران و در شرق بستان آباد واقع شده ، فاصله اش تا ، بستان آباد ۵۵ کیلومتر و تا تبریز ۱۵۵ کیلومتر می باشد . نک خاماچی ، ص ۴۱۴ .
- ۱۲ - مجتهدی ، ۶۴ . بامداد ، ج ۱ ، ۳۴۳ .
- ۱۳ - کسروی ، ۲۴ .
- ۱۴ - میرزا عبدالرحیم که بعد خلخال هویت یافت از برجستگان آذربایجان بود . فتوحی ، مجموعه آثار قلمی ... ، ۴۷۹ .
- ۱۵ - انجمن ، س ۱ ، ش ۱۱۴ ، روز یکشنبه هفدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۵ ، ص ۳ .
- ۱۶ - همان جا .
- ۱۷ - میرزا علی اکبرخان وکیلی فرزند سیدهاشم چرندابی مدیر روزنامه انجمن از شماره اول تا ۲۸ بود . از شماره ۲۸ با محمود غنی زاده روزنامه را مشترکا اداره می کردند و بعد از چندی بار دیگر اداره روزنامه را تا شماره ۱۱۱ ، سال اول به تنهایی عهده دار شد و از تاریخ (دوشنبه) ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۲۵ ، از مدیریت روزنامه عزل

- گردید. وی یکی از کوشندگان آزادیخواه صدر مشروطه در تبریز بود و در انجمن با عنوان "سروش غیبی" نظریات فرهنگی و سیاسی خود و اعضای انجمن را منعکس می‌ساخت. نک کسروی، ص ۲۴۵.
- ۱۸- همان جا .
- ۱۹- شهرستان میانه در جنوب شرقی آذربایجان شرقی، بر سر راه تهران به تبریز واقع شده، تا تهران ۲۶۶ کیلومتر (از طریق راه‌شوسه) و تا تبریز ۱۴۵ کیلومتر فاصله دارد. از شمال محدود است به شهرستان سراب از مغرب به شهرستان هشترود از شمال غربی به شهرستان بستان آباد و از جنوب به شهرستان زنجان. شهرستان میانه از نظر ارتباطی یکی از مناطق مهم آذربایجان است چرا که از جنوبش خط آهن تبریز-تهران و از شمال آن جاده ترانزیتی تهران-تبریز عبور می‌کند. نک خاماچی، ص ۴۹۹.
- ۲۰- کسروی، ۲۳۸.
- ۲۱- انجمن، س ۱، ش ۶۶، پنجشنبه ۴ ربیع الاول ۱۳۲۵ ق، ص ۲.
- ۲۲- همان، ۴.
- ۲۳- انجمن، س ۱، ش ۶۸، دوشنبه (۸) ربیع الاول ۱۳۲۵ ق.
- ۲۴- ایلخچی از حاصل خیزترین و معروفترین آبادیهای امسروز شهرستان اسکو است که در ۲۲ کیلومتری جنوبغربی تبریز و ۱۱- کیلومتری شمال غربی اسکو واقع شده است. جاده ترانزیتی تبریز به مراغه از شمال به جنوب آن و خط آهن تبریز به مراغه و تهران از شرق آن می‌گذرد. این قریه به وجود دسته‌ای از اسبان که در چمن این منطقه به چرا مشغول بودند و آنها را ایلخی می‌گفتند نام ایلخچی بر این روستا نهاده شد. نک ساعدی، ۹. خاماچی، ۳۲۷.
- ۲۵- زنده یاد حاج اسماعیل امیرخیزی در: قیام آذربایجان و ستارخان زیر عنوان "کمسیون اعانه" از اشخاصی که اعانه داده‌اند نام ۵۶ نفر را جهت یادآوری باز آورده از جمله نفر ردیف ۳۶ را - میرتقی

- حریری - نام برده که مبلغ ۱۰۰ تومان به کمیون اعانه پرداخت نموده است . نک امیرخیزی ، ص ۱۶۵ .
- ۲۶ - انجمن ، س ۱ ، ش ۶۸ ، همان .
- ۲۷ - بخش زنوز کوهستانی ترین منطقه شهری از شهرستان مرند است که ارتفاعش از سطح دریا ۱۷۰۰ متر می باشد. این شهرک کوهستانی در شمال مرند و در فاصله ۲۵ کیلومتر آن واقع شده و از جاده اصلی مرند به جلفا ، ده کیلومتر به شرق فاصله دارد . خاماچی ، ۳۳۸ .
- ۲۸ - انجمن ، س ۱ ، ش ۸ - ۷۷ ، روز شنبه (۲۷) ربیع الاول ۱۳۲۵ .
- ۲۹ - انجمن ، س ۱ ، ش ۱۱۳ ، ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۲۵ .
- ۳۰ - حاجی سید مرتضی از خاندان های بزرگ تبریزی و مالک املاک زنوز و هرزند و ... فتحی ، مجموعه آثار قلمی ... ، ۴۷۹ .
- ۳۱ - انجمن ، س ۱ ، ش ۱۲۲ .
- ۳۲ - همان .
- ۳۳ - حاجی میرزا محمد رفیع طباطبائی (نظام العلما) از علما و رجال مهم تبریز بود که قبلا ملقب به نایب الصدر بود و در سال ۱۳۲۷ قمری در تبریز وفات یافت . مجتهدی ، ۱۵۷ . بامداد ، ج ۳ ، ۴۰۶ .
- ۳۴ - انجمن ، س ۱ ، ش ۷۶ ، چهارشنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۳۲۵ .
- ۳۵ - همان جا .
- ۳۶ - میرزا اسدالله ضمیری ... ، ۱۱۰ .
- ۳۷ - انجمن ، س ۱ ، ش ۱۴۴ ، دوشنبه ۲۱ شهر شعبان ۱۳۲۵ .
- ۳۸ - بامداد ، ج ۴ ، صص ۱۳ - ۴۱۰ .
- ۳۹ - زنده یاد ثقه الاسلام شهید در مجموعه آثار قلمی خود جـ یادداشت های روز چهارشنبه پنجم ماه شعبان ۱۳۲۴ قمری ضمن توضیح حوادث روز از حاج علی آقا قراجه داغی به عنوان " روسای متحمین " نام می برد : " روز چهارشنبه شد و چنانکه اول نکر

ذکر کردیم قرار شد وقت عصر در منزل جناب حاج میرزا علی‌اصغر آقا اجتماعی بشود مرامم خبر کردند ، در ثانی اطلاع دادند که ... من هم آنجا رفتم ، حوالی غروب بود ، روسا و غالب علماء بودند انتظار میرفت از روسا متحصنین جماعتی باشند تا اینکه حوالی غروب حاجی میرزا ابوالحسن و آقا شیخ سلیم و آقا میرهاشم و آقا میرزا علی اکبر از سلسله معممین و حاجی علی قره داغی و حاجی میرزا آقا و حاج میرزا حسن میلانی ، حاجی مهـدی کوزه کنانی ... وارد شدند ، فتحی ، مجموعه آثار ... ، ۱۹ .

۴۰ - مرحوم ثقه الاسلام در یادداشت ۲۲ رجب ۱۳۲۶ ، تحت عنوان : " ملاقات با عین الدوله " که شاهزاده ، ثقه الاسلام را با اصرار تمام مامور اصلاح فیما بین می نماید می نویسد : " آخرین قولی که دادم این بود که حضرات را [مشروطه خواهان] بلکه وادارنمایم که ملاقات و مذاکرات حضوری نمایند ... ۲۳ ماه در منزل اقبال لشکر جمعی از آقایان محترم حاضر شدند : حاجی مهدی آقا - حاجی میر محمد علی اصفهانی و ... " فتحی ، مجموعه ... ، ۱۰۳ .

۴۱ - حاج جلیل نماینده مرند در انجمن ایالتی بود و مشروطه خواه ولی چون در ماموریت رسیدگی به اختلاف اهالی قریه " شجاع " با گنجه ای ها حق را بطرف ارباب داده و یک نفر حق وردی نام کشته شده بود لذا بتلافی این بی دقتی بوسیله فدائیان آن محل ترور شد . فتحی ، مجموعه ... ، ۴۷۵ .

۴۲ - میرزا حسین واعظ برخاسته از دیهی بنام - آرباتان - بود . در دوران مشروطه از مبارزین نامی شد با خطرات خطیر تا پای مرگ روبرو گشت و از ناطقین مشروطه بود که به قول کسروی : " خدا حنجره " او را برای نجات مشروطه خلق کرده بود . " بعد از سال ها زندگی صادقانه و صوفیانه در سال ۱۳۳۲ شمسی در گذشت . فتحی ، مجموعه ... ، ۴۷۴ .

- ۴۳ - بامداد ، ج ۲ ، ۵۰ - ۱۴۹ .
- ۴۴ - انجمن ، س ۱ ، ش ۱۴۶ ، روز شنبه ۲۶ شهر شعبان ۱۳۲۵ .
- ۴۵ - متاسفانه فکر دهقانان هنوز به آن پایه نرسیده است که بسرای نجات کشور از ظلم و بیداد و هرج و مرج ، دست به یگانه چاره مطمئن زده و در نهضت انقلابی جدا شرکت نمایند. از اینـرو در اثر جهالت و نادانی خود ، آلت دست دشمنان خود قسـرار می گیرند. م . پاولویچ ، ۱۹ . دهقانان ایرانی با وجود وضع رقت - بار خود در نهضت آزادی شرکتی نکردند . همان ، ۴۶ . دهقانان ستمدیده ایران تفاوتی بین مالکان داخلی و صاحبان امتیاز خارجی نمی دیدند. از این رو در خارج از حیطة جنبش انقلابی باقی ماندند . همان جا ، ۱۴۱ .
- ۴۶ - مافی ، در بسیاری از صفحات .
- ۴۷ - انجمن ، س ۲ ، ش ۱۸ ، سوم ذیقعدہ ۱۳۲۵ ، ص ۷ .
- ۴۸ - انجمن ، س ۲ ، همان .
- ۴۹ - انجمن ، س ۲ ، ش ۲۵ ، روز شنبه غره ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ ، ص ۳ .

مآخذ

- ۱- امیرخیزی ، اسماعیل (حاجی) ، قیام آذربایجان و ستارخان ، ج ۲ ، تهران ، ۱۳۵۶ .
- ۲- بامداد ، مهدی ، تاریخ رجال ایران قرون ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ ، تهران ، زوار ، ۱۳۴۷ .
- ۳- پاولویچ . م ، تریا . و ، ایرانسکی ، س ، سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران ، ترجمه هوشیار . م ، تهران ، ج ۲ ، ۱۳۵۷ .
- ۴- پیفون ، محمد ، روزنامه ملانصرالدین ، نامه کتابداران ایران ، دوره ۹ ، ش ۱ ، بهار ۱۳۵۵ .
- ۵- خاماچی ، بهروز ، فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی ، تهران ، سروش ، ۱۳۷۵ .
- ۶- دوره روزنامه انجمن ارگان انجمن ایالتی آذربایجان .
- ۷- رضوانی ، محمد اسماعیل (دکتر) ، سیری در نخستین روزنامه های ایران ، مجله بررسیهای تاریخی ، تهران .
- ۸- رفیعی ، منصوره ، انجمن ارگان انجمن ایالتی آذربایجان ، تهران ، نشر تاریخ ایران ، ۱۳۶۳ .
- ۹- ساعدی ، غلامحسین ، ایلخچی ، تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، اسفندماه ۱۳۴۲ .
- ۱۰- ضمیری ، اسدالله (میرزا) ، یادداشت‌های میرزا اسدالله ضمییری ملازم خاص ثقه الاسلام شهید ، به کوشش نگارنده ، تبریز ، ۱۳۵۶ .
- ۱۱- فتحی ، نصرت الله ، مجموعه آثار قلمی شادروان ثقه الاسلام شهید تبریزی ، تهران ، ۱۳۵۵ .
- ۱۲- کسروی ، احمد (سید) ، تاریخ مشروطه ایران ، ج ۵ ، تهران ، ۱۳۴۵ .
- ۱۳- مافی ، معصومه ، اتحادیه ، منصوره ، سعدوندیان ، سیروس ، رام -

- پیشه ، حمید ، خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام السلطنه مافی ،
(باب سوم) ، تهران ، بهار ۱۳۶۲ .
- ۱۴ - مجتهدی ، مهدی ، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ، تهران ،
۱۳۲۷ .
- ۱۵ - مینورسکی ، ولادیمیر ، تاریخ تبریز ، ترجمه عبدالعلی کارنگ ،
تبریز ، ۱۳۳۷ .
- ۱۶ - ناظم الاسلام (کرمانی) ، تاریخ بیداری ایرانیان ، مقدمه ، سه
اهتمام علی اکبر ، سعیدی سیرجانی ، تهران ، ۱۳۴۶ .